امنیت و اهمیت آن در قرآن

منصور حسینی

امنیت از مهم‌ترین و برترین نیازهای بشر در زندگی است؛ زیرا سعادت بشر در گرو تامین آرامش و آسایش است؛ از این رو انسان همواره برای به دست آوردن آن تلاش می‌کند و آرزو دارد به گونه‌ای این دو را به دست آورد که از پایایی و مانایی برخوردار باشد و هرگز آرامش و آسایش از زندگی شخصی و اجتماعی رخت برنبندد. البته تامین آنها در زندگی دنیوی که دائم در حال تغییر و دگرگونی است، شاید سخت و امید به بقا و پایایی و مانایی آنها نشدنی باشد؛ اما انسان تمام تلاش خود را می‌کند تا در حد توان و ظرفیت زندگی دنیوی آنها را تامین کند.

اصولا فلسفه وجودی و مشروعیت یابی نظام‌های سیاسی و نهادهای اجتماعی، تامین سعادت در قالب تامین آرامش و آسایش است و اگر این مهم برآورده نشود، دولت و نظام سیاسی، مشروعیت فلسفی – سیاسی خود را از دست می‌دهد؛ چنان‌که هر چه دولت و نظام سیاسی به تامین این مهم بیشتر و قوی‌تر بپردازد، کارآمدی در این عرصه‌ها، مقبولیت آفرین بوده و موجبات افزایش مقبولیت سیاسی را فراهم می‌آورد.

معناشناسی امنیت

اصطلاح امنیّت اسم مصدر و حاصل مصدری برگرفته از واژه «أمن» است.این واژه در عربی ضدّ ترس و خوف است. از این رو همواره خوف و امن در برابر هم به کار می‌رود. خداوند می‌فرماید: وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛ و ایشان را از خوف در امان آورد.(قریش، آیه ۴)

البته برخی نسبت میان امن و خوف را نقیض و سلب و ایجاب دانسته‌اند؛ به این معنا که اگر جایی خوف باشد امنیت نیست و اگر امنیت باشد خوفی نیست.(نگاه کنید: لسان العرب، ابن منظور، ذیل واژه «امن») بنابراین امنیّت یعنی آرامش و نبود ترس و خوف.

در قرآن و احادیث اسلامی، کلمه «أمن» و مشتقات آن، در معانی مختلفی به کار رفته است، مانند: امانت، ایمان، امنیت در برابر خطرهایی که در جهان پس از مرگ، انسان را تهدید می کند و امنیت در مقابل خطرهایی که آرامش اجتماعی انسان را تهدید می کند.

در آیات قرآن برای بیان همین مفهوم از آرامش و امنیت، از واژه‌هایی چون «أَمن»، «سلم» و مشتقّات آن دو و نیز جملاتی استفاده شده است که مفید این معنا است. همچنین واژگانی دیگر در بردارنده این مفهوم از امنیت است از جمله سلم (بقره، آیه ۲۰۸)، سلام (رعد، آیه ۲۴)، سکینه (توبه، آیه ۲۶)، صلح (نساء، آیه ۱۲۸) و واژگانی در طرف مقابل امنیت مانند خوف (بقره، آیه ۱۱۲)، رعب (حشر، آیه ۲)، حزن.(بقره، آیه ۳۸)

افزون بر این، آیات دیگری نیز در ترسیم حوزه معنایی امنیت نقش دارد که عبارت است از آیاتی که با بیان پاره‌ای احکام فقهی و اخلاقی، امنیت عقیده (بقره، آیه ۲۵۶)، جان(مائده، آیه ۳۲؛ انعام، آیه ۱۵۱)، مال (مائده، آیه ۳۸) و آبروی انسانها (نساء، آیه ۵۸؛ حجرات، آیات ۱۱ و ۱۲) را محترم شمرده و پیوند میان مؤمنان را بر پایه برادری (حجرات، آیه ۱۰)، صلح (حجرات، آیه ۹)، احسان (نساء، آیه ۳۶) و قسط و عدل (حجرات، آیه ۹) دانسته و بر آمادگی دفاعی مسلمانان (انفال، آیه ۶) و جهاد (نساء، آیه ۸۴) تأکید کرده و بر حرمت جنگ در مکان‌ها (آل عمران، آیه ۹۷) و زمان‌های (توبه، آیه ۳۶) ویژه‌ای دلالت دارد.

در قرآن واژه امن به اشکال گوناگون به کار رفته است. از جمله کاربرد وصفی آن در مواردی مانند «البَلَدِ الأمینِ» (تین، آیه ۳) و «قَریَة کانَت آمِنَةً» (نحل، آیه ۱۱۲) به معنای مطمئن، آرام و آسوده‌خاطر است.

باید توجه داشت نگاه قرآن به مفهوم سیاسی اجتماعی امنیت، بر پایه رویکرد هدایتی قرآن و در پیوند با بخشی از مفاهیم اسلامی است؛ زیرا قرآن امنیت را نعمتی از سوی خداوند (انفال، آیه ۲۶) و فرجامی حتمی برای مؤمنان صالح (جامع‌البیان، مج ۱۰، ج ۱۸، ص ۲۱۱؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۴۵۷، «جامعه و تاریخ».) می‌داند و می‌فرماید:«وَعَدَ اللّهُ الّذینَ آمَنوا مِنکُم و عَمِلوا الصّالِحاتِ...لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمنًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به امنیت مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند » (نور، آیه ۵۵) و نبودن امنیت را وسیله‌ای برای امتحان (بقره، آیه ۵۵) یا به سبب کفران نعمت‌های خدا معرفی می‌کند. (راهنما، ج ۹، ص ۵۵۷؛ نحل، آیه۱۱۲.)

امنیت در زبان عربی در تبیین مفاهیمی چون مصونیت از خطر و ترس و آرامش، ایمنی و آسودگی و نیز از بین رفتن هراس و نگرانی به کار رفته است.(تاج العروس، ج ۱۸، ص ۲۳، «امن»؛ لغت نامه، ج ۳، ص ۳۳۷۶؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۵۴، «امنیت»؛ مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۹۰، «امن») همچنین در تبیین مفهوم بی‌گزند و بی‌آسیب نیز از واژه امن استفاده می‌شود؛ پس حالت امنیت به معنای حالت بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی است که در آن گزند و خطر و آسیب راه نداشته، بلکه آرامش در آن حالت برقرار است. انسانی که از نظر درونی فاقد هر گونه خوف، اضطراب و تشویش است، انسان دارای آرامش است.

در حوزه اجتماعی، امنیت (به انگلیسی «Security») حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند.

در اصطلاح سیاسی و حقوقی نیز این معنا و مفهوم به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود.(دانشنامه سیاسی، آشوری، داریوش، ص ۳۸، چاپ سوم.) در این موارد، امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی و نقطه مقابل «تهدید» است. هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آرامش و امنیت رسیده است.

ویژگی‌های امنیت

امنیت حالتی در انسان و جامعه است که دارای مراتب متعدد و متنوع تشکیکی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. نسبی بودن امنیت: از نظر قرآن، امنیت یک امر نسبی به‌ویژه در دنیا است و نمی‌توان از امنیت پایدار و دارای پایایی و مانایی سخن گفت؛ زیرا امنیت واقعی در آخرت تحقق می‌یابد. بنابراین، در زندگی مادی دنیوی دستیابی به امنیت مطلق ناممکن است؛ زیرا امور دنیوی همواره در حال تغییر و دگرگونی است. همچنین عزت و اقتدار و قدرت که مبنای تحصیل امنیت محسوب می‌شود، متغیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای افراد و جوامع دولت‌ها نیز نسبی است. بنابر این با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قویترین دولت‌ها نیز امنیت مطلق ندارند. به طور خلاصه امنیت مطلق دست یافتنی نیست و هیچ نوع نظم اجتماعی نمی‌تواند همه ترس‌ها، بی‌ثباتی‌ها، خطرها، ویرانی‌ها و مرگ را از بین ببرد.

۲. ذهنی بودن امنیت: اصولا احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت یا امر ذهنی است که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی، اخلاقی، فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد. خداوند در قرآن به این مسئله توجه داده است. از نظر قرآن، احساس امنیّت ابراهیم(ع) در مقابل مشرکان در سایه اعتقاد توحیدی ایشان پدیدار شده است و در حقیقت این عامل حقیقی موجب شده تا آن حضرت(ع) از چنین احساسی برخوردار باشد.(انعام، آیه ۸۱) البته از نظر قرآن، گاه این احساس امنیت، امری موهوم و خیالی است؛ زیرا عوامل ایجادی امنیت، عامل حقیقی و واقعی نیست؛ از این رو، تنها یک احساس امنیت خیالی و موهوم دراندیشه افراد یا جامعه ایجاد می‌شود. خداوند در آیه ۹۹ سوره اعراف از احساس امنیّت زیانکاران از مکر خداوند سخن می‌گوید که یک احساس خیالی است؛ زیرا در همان حال که احساس امنیت می‌کنند، با کیفر ناگهانی مواجه شده و امنیت آنها از دست می‌رود. همچنین آیه ۸۱ سوره انعام از احساس امنیّت مشرکان در سایه آیین شرک‌آلود خویش سخن به میان آورده که احساس خیالی و موهوم است.

۳. تجزیه ناپذیر بودن امنیت: بدین معنی که امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه‌ای مستقیم دارد؛ یعنی اگر جنگ داخلی یا ناامنی در شهر یا استانی پدید آید، نمی‌توان ادعا کرد چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده است، امنیت ملی کامل است. پس وقتی از امنیت ملی مثلا سخن می‌گوییم، از امنیت فراگیر سخن می‌گوییم و اگر چنین چیزی تحقق نیافته باشد، در حقیقت امنیتی تحقق نیافته است.

آثار و نشانه‌های امنیت

از آنجا که امنیت یک امر باطنی و احساس درونی و روانی است، بازتاب و نشانه‌های آن را باید در رفتار و نمودهای خارجی آن یافت؛ یعنی همان طوری که اضطراب و خوف احساسی روانی و درونی و آثار ظاهری دارد، امنیت نیز چنین است.

در آیات قرآن نشانه‌های و آثاری برای امنیت بیان شده که می‌توان از طریق آن، از وجود یا عدم وجود و نیز میزان امنیت در افراد یا جامعه آگاه شد. از مهم‌ترین آثار و نشانه‌های امنیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بستر عبادت و بندگی خدا: در محیطی که انسان احساس بندگی می‌کند، به آسانی می‌تواند به عبادت و بندگی خداوند بپردازد، بی‌آنکه عاملی تهدیدزا و خوف برانگیز این احساس را از میان بردارد. از آنجا که مهم‌ترین مسئولیت و تکلیف انسان، بندگی و عبادت خداوند است (ذاریات، آیه ۵۶) تا این‌گونه به ایمان و تقوایی برسد که خود موجب علم حضوری و شهودی و موجبات یقین است، بنابراین، تامین این امنیت بسیار اساسی و مهم است. از نظر قرآن امنیتی واقعی است که تامین‌کننده این بخش از نیاز فطری و طبیعی بشر و گرایش به عبادت الهی باشد. امنیّت، زمینه‌ساز رویکرد مردم به عبادت خدای متعال است(نور، آیه ۵۵؛ قریش، آیه ۴) پس اگر در جایی امنیت باشد، بندگی خداوند نیز هست و فقدان بستر عبادت الهی به معنای فقدان امنیت واقعی است. دولت اسلامی باید بتواند چنین امنیتی را برای شهروندان فراهم آورد و اگر نتوانست باید در مشروعیت سیاسی و الهی خود شک و تردید کند و برای بازسازی این مقوله اقدام نماید.

۲. امکان تحقیق درباره حق: در بستر امنیت، انسان بدون ترس می‌تواند به تحقیق علمی و کسب حقیقت بپردازد بی‌آنکه موانعی موجب شود تا نتواند برای شناخت حقیقت اقدام کند. از نظر قرآن، امنیّت، زمینه دستیابی به حق و امکان تحقیق درباره حق را فراهم می‌آورد.(توبه، آیه ۶) انسان وقتی به تحقیق علمی پرداخت و حق را شناخت به طور طبیعی تلاش می‌کند تا آن را در خود تحقق بخشد. همین امر انسان را دگرگون می‌سازد.

۳. آزادی گردشگری و سیاحت: گردشگری آزادانه در شب و روز از آثار وجود امنیّت است.(سباء، آیه ۱۸) اصولا هر گونه آزادی ازجمله گردشگری تابع امنیت است. همین آزادی موجب می‌شود تا شرایط برای درآمد اقتصادی و گردش آزادانه ثروت و سرمایه و پیشرفت اقتصادی فراهم آید.

۴.آسایش و رفاه: امنیت تامین‌کننده آسایش و رفاه است. امنیّت، زمینه‌ساز رفاه و فراوانی نعمت است.(بقره، آیه ۱۲۶؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ قصص، آیه ۵۷) در آیه ۱۲۶ سوره بقره، درخواست روزی و محصولات، پس از درخواست امنیّت بیان می‌شود و این ترتب می‌تواند بیانگر این حقیقت باشد که امنیت است که آسایش و رفاه را به ارمغان می‌آورد و بستری مناسب برای آن فراهم می‌کند.

۵. سلامت و آرامش خانوادگی: برخی مفسران آرامش روحی افراد و سلامتی خانواده‌ها را از آثار امنیت دانسته‌اند.(نگاه کنید: فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۱۰)

۶. رشد علمی و آزادی‌های گوناگون: پیشرفت و رشد علمی در گرو آزادی اندیشه و تحقیق و بیان است. از این رو برنامه کرسی‌های آزاداندیشی در فرآیند رشد علمی جامعه بسیار تاثیر دارد؛ از طرفی نبودن امنیت در جامعه، زمینه‌ساز رکود علمی، اظهار نشدن عقاید، بروز نارضایتی عمومی، همچنین زمینه‌ساز چاپلوسی، نفاق، بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی به حاکمان می‌شود.(نگاه کنید: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.)

امنیت، فلسفه وجودی نظام سیاسی

نظام سیاسی باید در راستای تامین سعادت فردی و جمعی عمل کند. از این رو، فلسفه وجودی نظام سیاسی و هدف ایجادی و بقایی آن تامین این مهم یعنی امنیت و آرامش است. بر این اساس، مشروعیت نظام سیاسی و مقبولیت آن به کارآمدی در این عرصه است. هر نظامی که نتواند امنیت و آسایش را تامین کند، فاقد مشروعیت سیاسی خواهد بود؛ زیرا از عهده فلسفه وجودی خود بر نیامده است.

عمرو بن عبسه سلمی گوید:در جاهلیت، از خدایان قوم خود، روی گردانْدم... تا آنگاه که خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدم و سلام کردم و گفتم: تو کیستی؟ فرمود: «پیامبر». گفتم: پیامبر چیست؟ فرمود: «فرستاده خدا». گفتم: چه کسی تو را فرستاده است؟ فرمود: «خداوند». گفتم: برای چه فرستاده است؟ فرمود: «برای پیوندِ خویشاوندان، حفظ خون‌ها، امنیّت راه‌ها، شکستن بت‌ها وپرستش خدای یگانه و بی همتا».(مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۵۳ ح ۱۷۰۱۳، مسند الشامیّین: ج ۲ ص ۳۰ ح ۸۶۳، تاریخ دمشق: ج ۴۶ ص ۲۶۲)

از این حدیث به دست می‌آید که امنیت به‌ویژه امنیت در راه‌ها به عنوان یکی از فلسفه‌های وجودی اسلام و نظام سیاسی آن تعریف شده است. تاکید بر امنیت راه‌ها از آن روست که راه‌ها مهم‌ترین عامل در پیشرفت و رفاه و آسایش است؛ وقتی آرامش و امنیت در راه‌ها برقرار شود، زمینه برای رشد و شکوفایی در همه ابعاد زندگی فراهم می‌آید؛ زیرا گردشگری و نقل و انتقال کالا و منابع مادی و انسانی از طریق راه‌ها امکان‌پذیر است.

امام علی(ع) نیز به امنیت به عنوان یکی از اهداف و فلسفه وجودی حکومت و نظام سیاسی اشاره می‌کند و می‌فرماید: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سر زد، از سرِ قدرت‌طلبی، یا به دست آوردن چیزی از دارایی بی ارزش دنیا نبود؛ بلکه برای این بود که نشانه‌های دینت را بازگردانیم و در شهرهایت، آبادانی پدیدار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در امنیّت باشند و احکام بر زمین مانده ات بر پا داشته شوند.(نهج البلاغة، خطبهٔ ۱۳۱)

آن حضرت(ع) در جایی دیگر به این نکته اشاره می‌کند که اصولا فلسفه وجودی نظام سیاسی چیزی جز اموری از جمله تامین امنیت نیست؛ در این امر هیچ فرقی میان نظام سیاسی اسلامی و غیر اسلامی نیست؛ زیرا اگر امنیت برای مردم و جامعه به دست نظام سیاسی تامین نشود، نظام سیاسی مشروعیت سیاسی خود را از دست خواهد داد؛ چرا که فلسفه وجودی هر نظام سیاسی تامین این امور است. آن حضرت بر همین اساس می‌فرماید: مردم را ناگزیر فرمانروایی باید، نیک یا بد، تا در [سایه] فرمارویی او، مؤمن، کار خویش (اطاعت خدا) کند و کافر، بهره خویش ببَرَد، و خداوند، هر کس را به اجل مقدّرش برساند و به وسیله او، مالیات‌ها جمع آوری شود و با دشمن، جنگ شود و راه‌ها امن گردند.(نهج البلاغة، خطبهٔ ۴۰)

نظام سیاسی باید برای تامین امنیت از هر ابزار مناسب و کارآمدی استفاده کند. از آنجا که تامین امنیت در برابر دشمنان خارجی بسیار مهم است، امام زین العابدین(ع) در دعایش برای مرزداران به این نکته مهم توجه داده و می‌فرماید: اگر زندگی اش را به نیکبختی پایان دادی و شهادت را بر او مقدّر فرمودی، این [شهادتش]پس از آن باشد که دشمنت را به کُشتار، از بیخ و بُن برکَنَد و پس از آنکه دشمنانت به رنج اسارت در افتند و پس از آنکه مرزهای مسلمانان امنیّت یابد و پس از آنکه دشمنت پشت کرده بگریزد (صحیفهٔ سجّادیهٔ، دعای ۲۷)

امام رضا(ع) نیز فلسفه وجودی نظام سیاسی ولایی را اموری از جمله تامین امنیت دانسته و می‌فرماید: إنّ الإمامَةَ زِمامُ الدّینِ، ونِظامُ المُسلِمینَ، وصَلاحُ الدُّنیا، وعِزُّ المُؤمِنینَ. إنّ الإمامَةَ أُسّ الإسلامِ النّامی، وفَرعُهُ السّامی. بِالإمامِ تَمامُ الصَّلاةِ وَالزَّکاةِ وَالصِّیامِ وَالحَجِّ وَالجِهادِ، وتَوفیرُ الفَیءِ وَالصَّدَقاتِ، وإمضاءُ الحُدودِ وَالأحکامِ، ومَنعُ الثُّغورِ وَالأطرافِ؛ امامت، زمام دین است و رشته پیوند مسلمانان و مایه آبادانی دنیا و اقتدار مؤمنان. امامت، اساس و ریشه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است. با امامت، نماز و زکات و روزه و حجّ و جهاد، کامل می شوند و فَیء و زکات، جمع آوری می شوند و حدود و احکام اجرا می گردند و مرزها و سرحدّات نگهداری می‌شوند.(الکافی، ج ۱ ص ۲۰۰ ح ۱)

واژه ثغر به معنای جایی است که ترس هجوم دشمن از آن می‌رود.

این حدیث به‌صراحت وظایف و مسئولیت نظام سیاسی را بیان کرده و مشروعیت نظام سیاسی ولایی را در تامین این امور می‌داند.

از نظر اسلام، امنیت به‌ویژه در حوزه اجتماعی که شامل امنیت سیاسی و مانند آن می‌شود، بسیار اهمیت دارد. در اهمّیت امنیت اجتماعی در اسلام همین بس که پیامبرش فلسفه رسالت و امامت را با امنیت اجتماعی مرتبط می‌داند. پیامبر خدا(ص)، در پاسخ به سؤال از فلسفه رسالت خود می‌فرماید: بأن توصَلَ الأرحامُ وتُحقَنَ الدِّماءُ وتُؤمَنَ السُّبُلُ؛ خویشاوندی پیوند داده شود، خون‌ها حفظ شوند و راه‌ها امن گردند.

همچنین، اشاره به حفظ و صیانت مرزهای بلاد اسلامی و ایجاد امنیت برای ستمدیدگان، در تبیین حکمت زمامداریِ امامانِ اهل بیت(ع) در روایات ایشان، حاکی از مسئولیت سنگین حاکمان اسلامی در برقراری امنیت اجتماعی است.

آسیب‌های امنیتی

امنیت پایدار دست یافتنی نیست، ولی می‌توان از امنیت نسبتا پایدار سخن گفت که در سایه ایمان و عمل صالح ایجاد می‌شود؛ زیرا از نظر قرآن امت و جامعه‌ای که خود را مسلح به ایمان و عمل صالح کنند، از برکات مادی و معنوی از جمله امنیت برخوردار خواهند بود. به سخن دیگر، عبادت خداوند موجب امنیت پایدار است.(نور، آیه ۵۵؛ قریش، آیات ۳ و ۴) به طور طبیعی امنیت پایدار، موجب رفاه و آسایش و امنیت روانی جامعه می‌شود.(نحل، آیه ۱۱۲)

البته از آنجا که امنیت در آیات قرآن معلول علتی چون عبادت خدا در قالب ایمان و عمل صالح دانسته شده، می‌توان گفت که امنیت امری ناپایدار است مگر اینکه همواره علت، باقی و برقرار باشد.

با توجه به اینکه امنیت اجتماعی متوقف بر عمکرد امت و اجتماع در حفظ علت یعنی عبادت است، هر گاه گروه بیشتری از مردم پایبند آن باشند، این امنیت برقرار خواهد شد و هر چه کم شود یا کاهش یابد، به همان میزان امنیت اجتماعی شکننده‌تر خواهد بود.

خداوند در آیات ۱۶۴ و ۱۶۵ سوره شعراء می‌فرماید امنیت، امر پایداری نیست؛ بلکه این عملکرد مردم است که تعیین‌کننده پایداری و ناپایداری امنیت است. به عنوان نمونه کفران نعمت از عوامل زوال امنیت و از دست رفتن آن است.(نحل، آیه ۱۱۲)

همچنین دعا و نیایش که اوج عبادت انسان و بیانگر نیاز فقری انسان به خداست، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و بقای امنیت ایفا کند. از این رو پیامبران و معصومان(ع) از دعا برای تامین امنیت استفاده می‌کردند و از خداوند می‌خواستند تا نیاز امنیتی ایشان و جامعه و امت را برآورده سازد.

حضرت ابراهیم(ع) در نیایش خود می‌فرماید:«پروردگارا! اینجا را شهری امن، قرار ده و مردمش را ـ هر کس از آنان که به خدا و روزِ بازپسین ایمان بیاورد ـ از میوه‌ها روزی بخش»، [خدا] فرمود: «ولی هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم. سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش می کشانم؛ و چه بدسرانجامی است!».(بقره، آیه ۱۲۶)

امام زین العابدین(ع) در دعا برای عافیت، خدا را چنین می‌خواند: وَامنُن عَلَیّ بِالصِّحَةِ وَالأمنِ و مرا از نعمت تندرستی و امنیّت برخوردار فرما.(صحیفهٔ سجادیهٔ، دعای۲۳)

باید توجه داشت که مهم‌ترین آسیب‌های امنیتی شامل فقدان امنیت جانی، مالی و عرضی است. آدم ربایی و یا قتل از آسیب‌هایی است که امنیت را در یک جامعه با بحران مواجه می‌کند.(انفال، آیه ۲۶؛ قصص،آیه ۵۷؛ عنکبوت، آیه ۶۷)

همچنین افشای اسرار و اخبار امنیتی می‌تواند جامعه را با بحران امنیتی مواجه سازد که باید نسبت به آن برنامه و سیاست‌هایی را به مورد اجرا گذاشت که جامعه از این حیث دچار مشکل نشود.(نساء، آیه ۸۳)

عوامل و زمینه‌های احساس امنیت

صادق و کاذب

چنان‌که گفته شد، امنیت یک حالت روانی در انسان است که در آن حالت خوف و ترسی را احساس نمی‌کند و در آرامش و اطمینان به سر می‌برد. البته آثار این حالت روانی در رفتار و کردار کسی که این احساس را دارد، نمایان است.

از نظر قرآن، عواملی در ایجاد این احساس دخالت دارد که برخی از آنها حقیقی و برخی غیر حقیقی و موهوم است؛ بنابراین، احساسی که به شخص در حالت اخیر دست می‌دهد، یک احساس امنیت کاذب و موهوم و خیالی است.

برخی عوامل و زمینه‌های احساس امنیت عبارتند از:

۱. توحید: از مهم‌ترین عوامل ایجادی احساس امنیت، توحید و باورهای توحیدی است. کسی که دارای باورهای توحیدی است، از چیزی ترس و هراس نداشته و احساس امنیت می‌کند؛ چنان‌که حضرت ابراهیم(ع) با همه تهدیدهای مشرکان احساس امنیت می‌کرد.(انعام، آیه ۸۱) البته مشرکان در سایه شرک خویش نوعی احساس امنیت می‌کنند که از نظر قرآن چنین احساس امنیتی خیالی و موهوم است.(همان)

۲. برهان قاطع: کسی که دلیل مسلط، محکم و استوار و برهان قاطع داشته باشد، در بستر چنین برهانی، احساس امنیت می‌کند و از دلایل واهی و موهوم دیگران ترس و خوفی نخواهد داشت.(انعام، آیه ۸۱)

۳. مشیت الهی: انسان در سایه مشیت الهی و آگاهی از آن می‌تواند احساس امنیت کند.(یوسف، آیه ۹۹)

۴. تضمین از سوی اولیای الهی: از دیگر عوامل ایجادی احساس امنیت در شخص یا گروه و اجتماعی می‌توان به تضمین امنیت از سوی اولیای الهی اشاره کرد؛ چنان‌که حضرت یوسف(ع) به خانواده خویش وعده الهی را بیان می‌کند و به آنان ضمانت می‌دهد؛ زیرا جمله «ادخلوا مصر إن‌شاءالله آمنین» می‌تواند انشایی یا اخباری از سوی ایشان باشد. در صورتی که مقصود انشاء باشد، می‌توان گفت که ایشان از سوی خداوند چنین تضمینی را داده است.(یوسف، آیه ۹۹)

۵. امدادهای الهی: از جمله عوامل ایجاد امنیت، امدادهای الهی است که در آیاتی از قرآن از جمله آیه ۵ سوره فیل آیه ۴ سوره قریش بیان شده است.

۶. ایجاد مانع: از دیگر عوامل ایجاد امنیت، ایجاد موانع فیزیکی و غیر فیزیکی است. در یک جنگ نرم که جامعه با تهاجم فرهنگی مواجه است، ایجاد دیواره آتشین نرم در برابر دشمن می‌تواند موجب امنیت شود؛ چنان‌که ایجاد دیوار دفاعی در یک جنگ فیزیکی عامل تامین امنیت است.(کهف، آیات ۹۴ و ۹۷)

۷. ایمان: از نظر قرآن امنیّت، از آثار ایمان خالصانه به پروردگار است.(انعام، آیه ۸۴) هم چنین ایمانی، سبب بقای امنیّت و پایداری نعمت‌های دیگر است که باید آن را ایجاد و حفظ کرد.(نحل، آیه ۱۱۲)

۸.تقویت بنیه نظامی: تقویت عِدّه و عُدّه نظامی از عوامل ایجاد امنیّت در جامعه است. در این راستا دولت اسلامی باید به تقویت نفرات و تجهیزات نظامی اقدام کند و در این راه کوتاهی نکند.(انفال، آیه ۶۰)

۹. جلب رضای خدا: تلاش برای کسب خشنودی خدا از عوامل دستیابی به راه‌های امن و سلامت جامع و فراگیر است.(مائده، آیه ۱۶)

۱۰. جهاد در راه خدا: جهاد در راه خدا، از عوامل در امان ماندن از گزند دشمنان و تامین امنیت سیاسی است.(نساء، آیه ۸۴)

۱۱. سپاس از خدا: سپاسگزاری از نعمت امنیّت، سبب تداوم آن می‌شود. بنابراین، باید همواره شکرگزار خدا و نعمت‌هایش از جمله نعمت امنیت بود.(نحل، آیه ۱۱۲)

۱۲. عمل صالح: عمل صالح زمینه‌ساز حاکمیّت و امنیّت مؤمنان است. (نور، آیه ۵۵)

۱۳. هدایت‌یافتگی: هدایت‌یافتگی سبب بهره‌مندی از امنیّت و سلامت فراگیر و جامع است.(طه، آیه ۴۷)

با تامل در این عوامل و بسترهای ایجاد و صیانت از امنیت می‌توان دریافت که منشا اصلی امنیت خدا و مشیت الهی است وباید از خدا خواست تا آن را برای شخص یا جامعه تامین کند.(نگاه کنید: بقره، آیه ۱۲۵؛ انفال، آیه ۲۶؛ نور، آیه ۵۵)

اصولا فلسفه وجودی و مشروعیت یابی نظام‌های سیاسی و نهادهای اجتماعی، تامین سعادت در قالب تامین آرامش و آسایش است و اگر این مهم برآورده نشود، دولت و نظام سیاسی، مشروعیت فلسفی – سیاسی خود را از دست می‌دهد؛ چنان‌که هر چه دولت و نظام سیاسی به تامین این مهم بیشتر و قوی‌تر بپردازد، کارآمدی در این عرصه‌ها، مقبولیت آفرین بوده و موجبات افزایش مقبولیت سیاسی را فراهم می‌آورد.

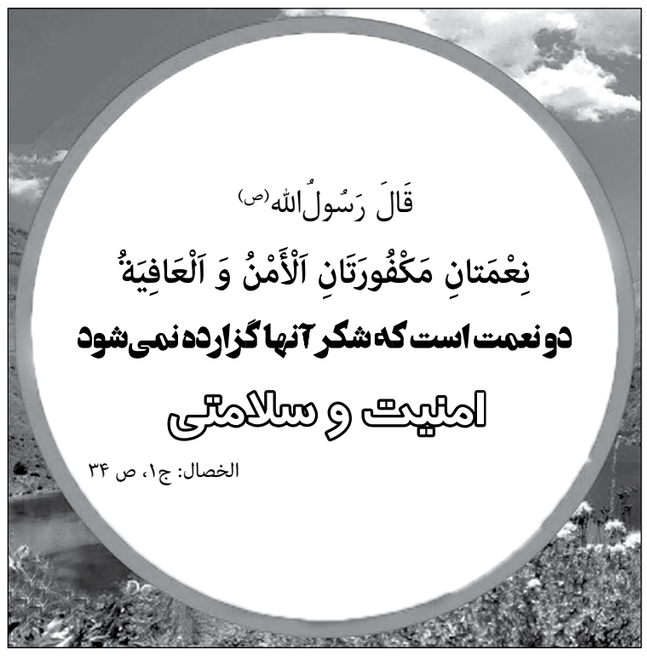

از مهم‌ترین عوامل ایجادی احساس امنیت، توحید و باورهای توحیدی است. کسی که دارای باورهای توحیدی است، از چیزی ترس و هراس نداشته و احساس امنیت می‌کند؛ چنان‌که حضرت ابراهیم(ع) با همه تهدیدهای مشرکان احساس امنیت می‌کرد.

امنیت، تامین‌کننده آسایش و رفاه است. امنیّت، زمینه‌ساز رفاه و فراوانی نعمت است. در آیه ۱۲۶ سوره بقره، درخواست روزی و محصولات، پس از درخواست امنیّت بیان می‌شود و این ترتب می‌تواند بیانگر این حقیقت باشد که امنیت است که آسایش و رفاه را به ارمغان می‌آورد و بستری مناسب برای آن فراهم می‌کند.

مهم‌ترین آسیب‌های امنیتی شامل فقدان امنیت جانی، مالی و عرضی است. آدم‌ربایی و یا قتل از آسیب‌هایی است که امنیت را در یک جامعه با بحران مواجه می‌کند. همچنین افشای اسرار و اخبار امنیتی می‌تواند جامعه را با بحران امنیتی مواجه سازد که باید نسبت به آن، برنامه و سیاست‌هایی را به مورد اجرا گذاشت که جامعه از این حیث دچار مشکل نشود.

چراغ راه

ارث ادب باقی بهتر از ارث مال فانی است

قال الامام الصادق(ع): «ان خیر ما ورث الاباء لابنائهم الادب لاالمال، فان المال یذهب و الادب یبقی».

امام صادق(ع) فرمود: بهترین چیزی که پدران برای فرزندانشان به ارث می‌گذارند، ادب است نه مال، زیرا مال از بین می‌رود، اما ادب باقی می‌ماند. [1]

۱- الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰

حکایت خوبان

انواع شیعیان

امام صادق(ع) می‌فرماید: شیعیان ما سه دسته‌اند:

دسته اول: آنها که ما را دوست دارند، تا از مواهب دنیا نصیبی ببرند، این افراد خوب صحبت می‌کنند و حدیث ما را حفظ می‌کنند. اما در وقت عمل، از انجام دستورات ما خودداری می‌کنند. جایگاه آنها جهنم است.

دسته دوم: آنها که ما را دوست دارند کلام ما را می‌شنوند و در انجام دستورات ما نیز کوتاهی نمی‌کنند اما هدف آنها این است که به بهانه وابستگی به ما بر مردم مسلط شوند و آنها را غارت کنند. خداوند آنها را نیز عذاب می‌کند.

دسته سوم: گروهی هستند که ما را دوست می‌دارند، کلام ما را حفظ می‌کنند، دستور ما را اطاعت می‌کنند، و با کارهای ما مخالفت نمی‌کنند. آنها از ما، و ما از آنهاییم. [1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰

پرسش و پاسخ

ضرورت و جایگاه تأدیب نفس

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی چرا انسان باید نفس خود را تأدیب کند؟ اگر نفس انسان تأدیب نگردد چه اتفاقی در زندگی او می‌افتد و حیات او چگونه خواهد بود؟

پاسخ:

تربیت نفس، تزکیه و تهذیب نفس، تأدیب نفس و اصلاح نفس تعابیری است در اصول و مبانی آموزه‌های وحیانی که از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. رسیدن به سعادتمندی، رستگاری ابدی، با ارزش‌ترین جایگاه‌های الهی و انسانی از اهداف والای تأدیب نفس است که در اینجا به برخی از اهم این موارد از منظر روایات اشاره می‌کنیم:

۱- امام علی(ع): «من اجهد نفسه فی اصلاحها سعد» کسی که تلاش کند نفس خود را اصلاح کند، سعادتمند می‌شود. (غررالحکم، ص ۲۳۷) اصلاح نفس به معنای تربیت نفس و یا به تعبیر دیگر مؤدب کردن آن به آداب الهی است.

۲- امام علی(ع): «من اهمل نفسه فی لذاتها شقی» اگر کسی نفس خود (یعنی شهوت و غضب و وهم) را در لذات رها کند، نفسش را به شقاوت می‌کشاند. این دو روایت نیز بر کنترل و مهار قوای نفسانی اصرار دارند. حال باید دانست که مراد از تأدیب نفس چیست و این همه آیات و روایات در باب تأدیب نفس چه اهدافی را مطالبه می‌کند؟

۳- امام علی(ع): «من تأدب بآداب الله عز و جل اداه الی الفلاح الدائم» اطاعت امر خداوند است که انسان را به رستگاری ابدی می‌رساند (بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۱۴) به عبارت دیگر انسان با اطاعت اوامر الهی می‌تواند خودش را تربیت کرده و به آداب الهی مؤدب کند.

۴- امام علی(ع): «لیس علی وجه الارض، اکرم علی الله سبحانه من النفس المطیعه لامره» نزد خداوند متعال در تمام پهنه زمین، چیزی با ارزش‌تر و محترم‌تر از آن نفسی که مطیع اوامر الهی باشد وجود ندارد. (مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ص ۲۵۹)

تعبیر «النفس المطیعه لامره» یعنی ک